

مجموعہ گمان

داوری توده - ۱۵ -

آقای کسروی یکی از دوستان من که باشا نیز دوستی دیرینه دارد اخیراً از تبریز باسفی به تله من رسیده و بنیاتی از حفظ و سندی یاد کرده وچنین اظهار داشته است

« دو خانه امید است این انکار بلند پایگاه جنابالی و حضرت آقای کسروی مدار او شد سایر ملل مترقی عالم شده و آنها هم از نوشتن اشعار و بردن اسامی خود باحضرت عالی هم آواز باشند دیگر بعد از این از آوردن اسم پوشکین شاعر معروف روسی و مروج انکار آزادی و ویکتور هوگو شاعر ناسی فرانسه که در میدان گردن فکر جامعه و توجه توانگران پهلای بیچارگان خدمت گریانیایی نموده اند خودداری نمایند»

چنانکه می بینید این هم مسلک نفسی ملایریتشده کرده و هم از زور بردن نیش سرزنش خود داری نتوانست است. به ناچار باسفی بنامه این رفیق دادم که میفرماید خلاصه آنرا بوسیله گرامی نامه برچم محض داوری توده بگفتوگو گوارم البته بخشی از پاسخ من:

برادرزاده جنید چنانکه بارها در نوشته های آقای کسروی ملاحظه کرده اید عقیده ایشان در باره شعر در این جمله خلاصه میشود

« شعر جل سخن موزون چیز دیگری نیست و سخن را نیز جز در موقف نیاز نباید گفت »

شاید که از سالیان پیش بانوشته های آقای کسروی مربوط هستید و از فردیک این مرد را می شناسید چطور بگفتن چنین تهمت در باره ایشان راضی میشوید ؟

آقای کسروی کی و در کجا ، سخن موزون را مطلقاً ندانست و شعر سرودن را نبی کرده است ؟ بهترین مثالی که چندی پیش آقای کسروی در باره شعر یاد کرده و در برچم نیز بیچ و رسیده عیناً تشبیه شعر بیکره نالی و تشبیه تر بیکره معمولی بود. کسی که احتیاج به کره دارد البته کره خالی را بیکره معمولی ترجیح میدهد ولی بیکره ای که کره را خالی کرده و خالی کرده و ظاهر خوش آیدنی بآن داده اند آنرا میتوان شب و روز خوش هرچیز خود را کی سرودن کره مداومت داد

هرگاه آقای کسروی بطور کلی از شعر و شاعری متذربودند پس البته مودرانی و اراج شاسی از شادوان صابر طاهر زاده (مؤلف هوب هوب نامه) شاعر ملی آذربایجان برای چیست و همچنین دوج بگفتست از ضامن فراموشی در میناه پسان روی چه اصلی بوده ؟

از پوشکین روسها و از ویکتور هوگو فرانسه نام برده و آرزو داده حفظ و سندی را پوشکین و ویکتور هوگو ایران دانسته و از مضامین خود بشماریم ؟ کیرم که چنین کاری اقدام و این دو شاعر غربانی و ستایشگران از مضامین خود اعلان ننمودیم. آیا با این کار ما حلقین دیگرگون شده و تاریخ نوشته های خود را عوض مینمایند ؟ تاریخ دربار و ویکتور هوگو چنین نوشته ؟

این مرد آزاده در برابر حاکمرانی مطلق نالینون سواد علم کرده برای اینکه گردن بیرون بکشد و مستبد تند ۱۸ سال تمام از خانه ولایت خود دست کشیده و بهترین ایام هر خود را در گوشه جزیره ای با تنهایی و غربت بسر داد ؟

میان تاریخ در صلحه دیگر خود چنین ثبت نموده ؟

سندی برای اینکه چند صباح از زندگانی او و تکیه خود در وصف آقاخان منول که بنفش خاک می بین سندی را با خون جوانان ایران آخته بود نصیب گشت و برای حاکمران خون خوار منول هزار سال هر از غمناوند خواست است

ویکتور هوگو در تمام زندگانی مثلث سالها جز آزادی و سربازاری ملت خود مشغول ای نداشت و برای نشان دادن مقصد آزادی و بی آبرو ساختن استبداد در نظر ملت فرانسه کتاب « نالینون کوچک» و بارشته تحریر آورده و تا آخرین نفس در عقیده و ایمان خود ثابت قدم ماند ولی سندی از یکسو برای متهم غلبه بنامه مرثیه خوانده و از سوی دیگر حاکمران منول (پسر قتل خلیه) مدح و گفته و پای آنرا تا هزار سال آرزو کرده است هرگاه پوشکین نیز مانند حافظ ملت روسها بی خودی و نابی و جبری گری تشویق میکرد یا ویکتور هوگو مانند باب پنجم گلستان یادگاری از خود میگذاشت و ملت فرانسه را به ۰۰۰ بلوی و کشتن روح مردی و مردانگی دعوت مینمود باین بدان که ملت روس و فرانسه نه اینکه آنها را از مضامین خود حساب نیب کرده بلکه استخوان های این اشخاص را از خاک دو آورده و آتش میزدند بر افروختن آن و سوزاندن هر دختی از میوه آن شاخته میشود و طرف این می و چنه سال گذشته که نام حفظ و سندی و اشعار آنها بنا براده دیگران در میان ما ایرانیان بلند آوازه گردیده آیا از این کار چه سودی عیب ما شده است ؟ جز پروراندن یک مشت کسان بی درد ، لایالی ، خرابانی نبیه دیگری داشته است ؟

از همین ها که مرد متفنی هستید سوزال میگویم ، کسبک اشعار غربانی و جبری گری حفظ و حکایات زشت باب پنجم گلستان را حفظ کرده و برای که آینه نشان میدهد مثلث بشود آید باین کسی بله فراموش دلاور و از جهان گذشته با یک

مسابقه وزارت دارائی

چندی پیش ضمن مطالعه یکی از شماره های مهر ایران دیده شد آقای وزیر دارائی نظر اشخاص را نسبت بطریق جمع آوری جو و گندم از راه توزیع اجناس انحصاری خواست است

البته این پیشنهاد یکی از روش های بد و پست بوده است که میرساند پیشنهاد کننده جز احراي منظور و موفقیت در کار نظری نداشته و برخلاف بعضی اشخاص از حس خود خراشی و خوشن پرستی میری است و ولی نکته قابل توجه اینست که اظهار نظر در موضوعی مندرج آست که نظر دهنده نسبت باصل موضوع و حدود میدان عمل اطلاع کامل داشته و بداند تا چه درجه از این راه پیشرفت و موفقیت میفرماید ، و وسائلی که برای انجام این کار تهیه شده است تا چه اندازه میباید مثلا در همین مورد باید معلوم شده باشد که اگر شخصی خواست باشد در مقابل گرفتن اجناس انحصاری جو و گندم تحویل دهد ، تا چه میزان کالای انحصاری بوی داده میشود .

آیا از این لحاظ نسبت به تحویل اجناس انحصاری مصدقش در کار نیست ؟ و بهر اندازه که خواست باشد باور داده میشود یا نه ؟ و اگر چه در است تا چه درجه مصدق میباید ؟

آیا کالای انحصاری بجهان اندازه که در مقابل پول داده میشود دو مقابل گندم و جو داده میشود یا بهر حال اینها مطالبی است که نظر دهنده باید بداند ، و بی میندا ما بطور اجمال عقیده خود را در اینجا مینویسم و مقدم بر بیان مطلب هم این نکته را متذکر میشوم

۱- اگر بنا باشد در مقابل تحویل جو و گندم کالای انحصاری بجهان اندازه که دو مقابل پول داده میشود تحویل گردد ، از این راه چندان نتیجه ای برای جمع آوری جو و گندم بدست نمی آید ، و عقیده احتیاجاتی نیست از لحاظ انحصاری و سندی بکار داده شود

۲- آقای وزیر دارائی ضمن بیان منظور خود فرموده اند « رعایا خواهند توانست مقدار گندم و جو خود را به بهایک میل دارنه بخرورند» که این موضوع هم بحدی من صلی نیست ؟ زیرا وقتی خرید کالا متعسر به بیکر یا یک مرکز بود باید بهای کالا بالا در هر محل بطور قطع معین باشد که عموم فروخته گران به یک میزان استفاده نمایند ، نه اینکه بیکر بیکر من گندم خود را بخرار خود را بخرار دیگر بخرار بخرورند و دیگری بیکر با بعد زبال و خریدار هم مجبور باشد گندم هر دو را بپشتی که بیکر بخرار بخرار نماید (ای که گفت میباید باشد از نظر ایست که دولت خود را موظف نموده است که این کالا را بهر طریقی که باشد بخرار نماید)

پس بی است آزادی بیا مونی مورد دارد که آزادی برای خریدار نسبت بهر بی نباشد ، و بخرورنده گران وفایت ایجاد شود ، و الا اگر خریدار ملزم بهر بی جنبش باشد ، و تمیز بیا هم بخرورنده بر گذار گردد ، قطعی است بهایک از طرف فروخته معین میشود از حدود تسامح خارج بوده ، و جز باین نتیجه ای را ایجاد داشت و علاوه با تحلیلی که فلا ذکر شد قطع نظر از اینکه موجب سوء استفاده مأمورین خرید واقع میشود ، کنترل آنها مشکل خواهد بود

باین طریق به بانی قیست جو و گندم معین و معلوم باشد ، متنا برای اینکه بخرورنده گان تشویق بخرورن شوند ، اولاً باید طرح مناسب معین شود ، و دو ای از هر بازده روز با بیشتر بهای آن یا سیر نزولی تغییر داده شود ، یعنی مثلا اگر بازده روز اول بهای گندم بخراری باشد و بای تمیز گردید ، بازده روز دوم ۷۰ و بای معین شود

این محل قطع نظر از اینکه فروخته گران را تشویق به تسریع در فروش نمیشاید سب سر مت کار مأمورین خرید هم خواهد شد

البته این نکته را نیز باید متذکر شوم که چون با اجرای این شرط قطعی است که هر فروخته ای اصرار خواهد داشت محصول خود را در همان بازده روز اول مصرف کند که پیشتر استفاده نماید

مغرض مشغور می تواند بشود ، آیا فلسفه جبری گری در وجهات چنین شخصی بی تأثیر مانده و روح مردانگی و شجاعت را در او نخواهد کشت ؟ آیا کسیکه شب و روز مانند

حاصل کار که کون و مکان اینیه نیست باید پیش آرد که اسباب جهان اینیه نیست و آرد زبان بیکد دیگر میتوانه خود را برای انجام کارهای بزرگ و پرخطر آماده نموده و در راه ملت و کشور خود از جان بگذرد ؟ در اینجهان به رفیق خود را باین داده و خطا باشد آقای کسروی میگویند مردان یکسر مت و آناهیکه هنوز راستی پرستی در تپل شان باقی بوده و دو جستیوی علاج درد ملت ایران هستند گفته های شما را پذیرفته و بدو حال شما خواهند آمد گفتی ها را بگویند و از این هیاهو مقرر صد که خدا ما ما است

سلطان اده تبریزی

بخانه سیریس

اسرار استطاق

دادگاه

(۲۶)

بیکونته سربانی مضار از بادشاه سانس پرسیده بود که این چیست و چه جریمه محکوم کنیم ؟

شاه گفت بود مگر اینها گفته اند که املاک شاه زیاد است ؟

سربانی در جواب گفت بود چرا چنین جملانی کرده اند ، شاه گفت بود پس چرا از زمین میرسم مگر این عقیده باشوکتیا نیست ؟ سربانی قبول کرده و دستور داده بود که ملرا بچرم اشتراکی محکوم کنند ولی در جریان بدیده متوجه این مطلب شدند که با در دست داشتن جریمه داند (آفت اجتماع شمله ما وسوگه بلد ندون خیر آن معبد) نمی توانست این تهمت را بر ما است بدهد

ناخبری که در جلسه دادگاه دوم توجه ما را جلب کرد قیست چپانوز بود ، آری چپانوز در دادگاه دوم حضور نداشت و ما امید داشتیم چه بلایی بر سر او آورده اند ولی وقتی که دوباره بزندان آمدیم دیدیم که چپانوز در اطاق خود نشسته و زهره میکند و گله گلهای بیون پروا وواحه از خاموشی زندان با حالت آشفته و مبهی سرود (از خون جوانان وطن لاله دیده است) را میخواند

این جوان فرات است فردا نیز بران شود ، برای چه ؟ برای اینکه بوشش مهرورزی و شواست است وظیفه و طهارتی و کشور دوستی خود را انجام دهد خدا بآن شب هم شبی بود شب س و حقتناکی بود هرگز فراموش نمیشود سکوت مرگ ، تاریکی شب زمزمه های دلخراش چپانوز فرار و انتقام حیات را بر هم زده بود هیچ ندانستم شب چگونه جبری شد و چگونه روز و روضاتی سر بر آورد ، مامورین سگمل و فنی اقلب دهان هم بدو تفرقت میکردند و این دشمنی محکومین برک و ملت و اینان خود گذاشته و خود در گوشه نشسته بودند گویی که دل سنگین آنها هم از دیدن این مانده گاه نم انگیز متار ویناب است

مرحوم خان بیای اسد بختیاری که هر روز با دشمنان و بیانات محسوس اولت مارا مشغول میداشت و خاطر ما را سالی میداد امروز دیگر ساکت بود و هیچ سخنی بر زبان نبرانه زیرا دیگر هیچ وسیله و بهانه نداشت که بدان وسیله این ارواح آخته و احساسات متغیر و متروشان را تسلی دهد و آرام نماید مگر هنگام آمده بود که بار دیگر این سخن تاریخی بر زبانش آورد :

نعم آزادی در زمینی شو و نسا میکند که بیض دانش شیلر خورده خون جوانان آبیاری شده ،

باشک چشم خندان دادنداری چشم گرفته باشد

و اینها این مل هم غیر ممکن است ، عقیده مردم ملاک خرید و این مردم همان میردن نهاد اشخاص باشد ، پس اگر کسی در بازده روز اول تمیز تحلیل ده خورار گندم را سیر بر خرمن اینکه دو ماله به هم تحویل دهد مضامین همان طرح بازده روز اول با اوصاف شود

بهر حال اینکه بر دوازم میان راه حل جمع آوری جو و گندم از طریق توزیع اجناس انحصاری و سامین کالای انحصاری ، بهای واقعی به کشاورزان

۱- باینشیکه شهرستانها با بعضی از شهرستان شاق مرکز معصول و بالاخره شهرستانهای نوره نظر قووی اطلاع شود از تحویل کالای مزبوره بکونین سه ماهه در سال خودداری نموده و کونین های مزبوره را کالم بکن فرض نمایند

۲- نوری دوازم کونین دیگر محسوس محل عالی نام برده تهیه شود که یکی از آنها برای تحویل جنس و دیگری محسوس غه باشد یعنی دارنه گان کونین جنس در مقابل گرفتن کالای انحصاری و موفق تحویل جو با گندم باشند و نوری پول

۳- برای اینکه کسی که از کونین جنس استفاده نموده از کونین نقدی استفاده نشاید باید دوازم مهر تهیه شود که یکی توزیع کونین جنس و دیگری نقدی را نمایش دهد ، و در موقع توزیع کونین آن مهر روی شناس نامه گیرنده زده شود

۴- باینشیکه مقرر شود که دارنه گان کونین نقدی مونی می توانست از کونین جنس استفاده نمایند که کونین نقدی خود را مسترد دارند ، البته این موضوع هم باینشیکه در شناسنامه اشیا داده شود

۵- تبدیل کونین جنس نقدی بکلی منع گردد

۶- کونین جنس بر خلاف نقدی بطوریکه گفته شد از لحاظ کثیت تا درجه آزاد باشد ، یعنی مطابق آن توانست بیشتر از میزان محسودیکه صاحب کونین نقدی از کالای انحصاری استفاده میکند استفاده نمایند که مردودت سواء از این رده دار قابل توجهی گندم و جو بدست آورد و هم از صاحبان تشویق شده باشد

۷- اجناس انحصاری بدو زندگان کونین جنس اوزان را داده شود

۸- بهای اجناس انحصاری و مقدار بیکه گرفته شده روی هر یک از کونین های جنس و نقدی برای

آگهی

طبق تصویب مجمع عمومی متشده در تاریخ ۱۰ اردیبهشت ۲۰۰۱ با حضور و رأی کابیه دارنه گان سهام شرکت سهامی ششکبیل فروز در میان تاریخ شرکت نامیده در محل و مراتب باداره ثبت کل گزاشش اداره مزبور بواسطه عدم انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی در روزنامه (که بموجب دعوت نامه مخصوص بعمل آمده بود) از انتشار آگهی اصلاح خود داری ندوده و از طرفی نیز یکی از ضوین هشت تعدیه استعفا نموده است .

لذا بدین وسیله از شرکت ناموکلایشان دعوت میشود در ساعت چهار بعد از ظهر روز شنبه ۲۱ اردیبهشت در تالار نماه ششکبیل واقع در سه دلا ملک (تهران) حضور بهم رسانند ضمن تعدیه اصلاح شرکت جانشین عضو مستعفی را نیز اصلاح نمایند

ش - ۸۵۸ از طرف هیئت تعدیه سهام ششکبیل فروز - مصن ششکبیل

رواوست شماره ۱۶۶

آگهی

تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۱ آقای مهدی نسبی در نامه شناسنامه شماره ۲۷۲۶۶ صادره از حوزه شماره ۶ دفتر آثار و ثبت احوال طهران بستمند وروشت گواهی بخته شناسنامه متوفی و بیکر گواهی خواهم شرح درخواست شماره ۲۱۵۰۲۱ از شعبه سوم دادگاه بخش طهران خواستار گواهی نامه حضر وراثت شده بدین توضیح حاج شیخ حسن نسبی نرزنه مرحوم علی اکبر صاحب شناسنامه شماره ۲۷۸۰ صادره از حوزه شماره ۶ آثار و ثبت احوال طهران در تاریخ شانزده آبان ۱۳۱۸ فوت طهران چنانکه هیچکس خود فوت نموده و ولت متعسر بآن مرحوم عیادت از بیکر زوجة دانی موسویه به نانو قیسه این عیادت و سه نفر پسر شاه آقابان مهدی نسبی و حسن نسبی و دکتر محله نسبی و دو دختر محله بایانان طرته نسبی شهریه بهنام گلین و رفقه مشهوره بجليله خانم میباشند پس از شنیدن گواهی گواهان مراتب را در سه روز بی دو بی ماهی بیکر بوسیله محله و سنی و یکی از جراید مرگزوی باطلاع عموم میرساند که هرگاه کسی وخواهی دارد پس از نشر بنسبتن آگهی طرف سه ماله موهه قانونی کتباً اظهار نماید و نیز چنانچه وصیت نامه از منوی ترد کسی است و تا کونین وسایل ابراز و افتتاح نشده است در همان مدت باین دادگاه بفرستد و الا هر وصیت نامه بر رسمی و سری بدهد ارازا شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود

نوبت دوم ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۱ دادرس شعبه سوم دادگاه بخش تهران - اسدافه مضامین شماره - ۵۵۹

آگهی ۳-۲۱-۱۶۶

بانو مرضیه علین بیروزی در تاریخ ۲۲ و ۲۱ دادخواستی بخواسته طلاق بطریق رضا علیهین بود بدادگاه شهرستان تهران تقدیم و اظهار داشته تمت ۳ سال است خوانده که زوج این جاییه است غایب و مفارقات است و با دو بچه او سرگردان و بی تکلف ماضیام قضای رسیدگی و صدور حکم طلاق را نموده و سه نفر هم گواهی داده اند که شجر خوانده ۳ سال است مفارقات است مراتب سه نوبت متوالی ماهی بیکر دو محله و سنی وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های کثیر - الا نشتر مرکز آگهی نموده تا هر کسی از جهت غایب خبری دارد این دادگاه را کتباً مطلع نماید در صورتیکه تا یکسال از تاریخ نشر آخرین آگهی خبری از جهت غایب (خوانده) بدادگاه نرسد حکم موت فرضی خوانده خواهد شد

نوبت دوم ۲۱ اردیبهشت ۱۳۲۱ دادرس شعبه سوم دادگاه شهرستان تهران

آگهی مزایده

شهادت دو قطعه باغ مشجر متشبه بلاق ۱۰۷ - ۳۶ - ۱۰۷ و نامزد آب غلت بزرگ متجیل آباد شهر یار یکی سکینه خانم دختر نوزده که به ثبت رسیده و در املر هم بنسبانه طبق مقررات در روز ۱۵ مرداد ماه ۱۳۲۱ دو ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بطور مزایده ب فروش میرسد طالبین می توانست در روز مزبور در خرید شرکت نمایند و حراج از مبلغ ۲۹۹۰۰ ریال شروع میشود و مالیات حراج نسبت باولاد طالب بستانکار تلقی گرفته و بخریدار خواهد شد

تاریخ انتشار نوبت دوم ۷ شعبه ۲ مرداد ماه ۱۳۲۱ رئیس ثبت کرج - شیخ الاسلامی ش - ۸۶۴

آگهی مزایده

دو دانگ دو نیمه شاع از شهادت یک قطعه باغ بلاق ۵۶۰۳۴۲ شماره ۵۶۰۳۴۲ در خانه عدلسل جیلان ملک آقای سیمه خدیجی که در جریان ثبت است و در اجاره هم می باشد در روز ۲۶ اردیبهشت دو ساعت قبل از ظهر در شعبه ثبت کرج بخریدار فروش میرسد طالبین میتوانند در روز مزبور در خرید شرکت نمایند و حراج از مبلغ ۱۰۳۲۷۰ ریال شروع خواهد شد و مالیات بر حراج نسبت باولاد طالب بستانکار تلقی گرفته و بخریدار خواهد شد

تاریخ انتشار ۳۲۱ مرداد ماه ۱۳۲۱ رئیس ثبت کرج - شیخ الاسلامی ش - ۸۵۹

جاری گیری اوسوه استفاده نوشته شود

۱- مقرر شود چنانچه یکی پیش از مقدار بیکه فروخته بای کالای انحصاری تحویل میشود بخرورنده

۲- دانسته باشد بخرورنده که در موقع گرفتن کونین راست را اظهار و تهیه تسلیم میگرد کالای انحصاری بکونین گذار از تهیه بدست ۷ هم بآن اضافه شده است بوی داده می شود

۳- موضوع هم باینشیکه کونین های جنس قید شود

البته مقدار مراد و ای هم که بدین بخرورن تعقیب می میشوند باید معلوم باشد و بخرورنده من بهتر نیست که در همین مورد هم با ترفی مقدار مزاد بر تریل بهای کالای انحصاری افزوده شود پس اگر کسی دو خورار مزاد داشته باشد مثلا سه پنج و اگر سه خورار داشته باشد صدی هفت تعقیب داده شود

باین مطالب بالا متناسب با محدوده ثبت املاعی است که نسبت به نظر وزارت دارائی دارم ، و با تعقیب املاعات بیشتری موضوع وا قابل تجدید نظر میروم

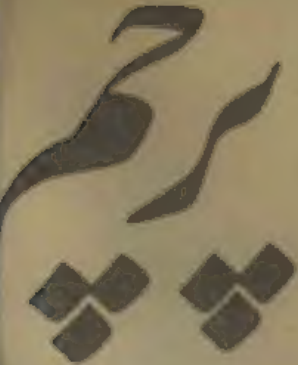
اصولاً نسبت به جمع آوری گندم و جو مخصوصاً در امسال و یکی دوسال دیگر نظر خاص دارم و آن اینست که چون با لحاظ وجهات متعددی اغلب از کشاورزان نسبت به بدله با دولت ارضی پیدا کرده اند عقیده مند

۱- فاضل خرید محصول جو و گندم با داند حق التسلیم بوسیله تپلر یا دلالان محلی انجام شود و مأمورین وزارت دارائی فقط کار آنها و نظارت و کنترل نماید

۲- البته میزان حق التسلیم هم باینشیکه نسبت مقبض اجناس بخریداری شده تعیین شود که نهایت بازرگانان با دلالان زیادتر گردد

۳- گران میگویند با اطلاعاتیکه این دسته نسبت

شرکت پانچانه نامان



داوود و نویسنده کسروی تبریزی

باید در

در کنارهای گذشته از

مردم کم

بنامه ای ایرانیان جنگ

از دور به یاد می گردد آری روز

بنامه اگر آنها بشارت در آید ایران

از دین و آسمان توده خواهد شد

دور و بکیردهی باه در زندگانی است

امروزه توده ها از بزرگ

ندیری برای نگهداری خود می اندیشند

خاموش نشسته و بیانی مجالس بر میبند

و با همدستان او (از آمریکا و چین) گذ

شان میدهد دولت انگلیس هم آنها را از

بهر خواستها و بیهوشان پاسخ میدهد

مگر شما میخواهید در

بشپینه و چشم براه حوادث ندورید ؟

و در برای بیلبرد که کترین دلمه زنی

میگردد ؟

باید آشکاره موسیم که آ

رفار هر بعضی و تیره روزی خواهد بود

زن و فرزند داری ؛ اینجا بنگاه شده

هیچ جا روزی برای خود و خاندان خو

و فرزندان خود حسا آورید و آنان را

کینه باید این برده نفلت و بیباکی

ندیر باشد

بنامه ای ایرانیان اش

درماندگی بیرون آید راهش آست

بنامه ای ایرانیان ما این برچم را برا

بیکصد دیگری را دنبال میکنیم این

بناویم با هم میبایست دمت بهم دهیم و

بنامه ای ایرانیان ؛ از کو

برای رهائی خود کد سودی باشد

از این راهست که می توان به نتیجه دست

ایجاد کرد ارم بر آید که اند و هر که

شتم و دلنگی میسوزد ؛ ایات اگر

در اینجا از موضوع چنت

و با نیکم ؛ اگر آنها بشارت یابند و

که متفلیق دفاع خواهد کرد ، من در آن

زندگانی روی یک پایه استواری نیست

از هر سوسر خواهد تیر آورد ، و راهی است

از این تاسلایان است که باید در اندیشه

برای چنان روزی در شهرها بنگاهها

که اگر نیازی اند برای غل هده انوم

آمده نخواهند گردانید

قابل توجه وزارت کشور

بوی

بوی برق شهر دای آ

معاذ به شهرداری های کشور به نسبت

شهرداری این بیکر را ۶۰ هزار و

به خیابان جدیدی در این سال ساخته

و این بجهه حرار ریال اضافه قط چرا

کرده است دو سوسر که در روزی ندارد

خراب شده و خانه های ۲۰ و ۳۰ هزار

به صاحب آنها داده شده است این بی

کشور معروض داشته و تنها دارو این پنج

آنها از بین رفته با رعایت قانون توسعه

کومه برای خود سازاد

برای تشویق خ

مصرف خواربار منازل

ب ادارات مربوطه دستور

۱۳۲۱ پروانه مجانی بقر

زارعین و رعایا یا مالکین

ب ادارات دارائی داده باشند

شماره ۸۶۰